

مقدمه	۱
پرسش و فرضیه ی پژوهش	۴
پیشینه ی پژوهش	۴
ضرورت و اهمیت پژوهش	۴
روش و منابع پژوهش	۵
ساختار پژوهش	۵
فصل اول: کلیات	۶
۱-۱: واژه شناسی و ادبیات تحقیق	۷
۱-۱-۱: مبانی جرم انگاری	۷
۱-۱-۲: اصول جرم انگاری	۹
۱-۱-۳: اهانت	۹
۱-۱-۴: مقدسات دینی	۱۱
۱-۱-۴-۱: دین	۱۱
۱-۱-۴-۲: مقدسات	۱۳
۲-۱: مقدس و نامقدس	۱۴
۲-۱-۱: قداست در ادیان توحیدی	۱۴
۲-۱-۲-۱: مصادیقی از قداست در ادیان توحیدی	۱۵
۲-۲-۱: فرآیند قدسی شدن و عرفی شدن در جامعه یا قلمرو مقدس و نامقدس	۱۷
۲-۲-۳: ملاک تشخیص مقدس از نامقدس	۱۸
۲-۲-۴: اندیشه های دورکیم درباره مقدس و نامقدس و نقد آن ها	۱۹
۳-۱: تاریخچه اهانت به مقدسات دینی	۲۰
۳-۱-۱: پیشینه واکنش ادیان نسبت به توهین به مقدسات	۲۰
۳-۱-۲: بررسی عوامل سخت گیری نسبت به پیروان ادیان در طول تاریخ	۲۲

- ۱-۳-۲: نظام ها و حاکمیت های سیاسی ۲۲
- ۱-۳-۲: تعصبات قومی، نژادی و دینی ۲۵
- ۱-۳-۳: نگرش و عملکرد رهبران و رجال دینی ۲۶
- ۴-۱: درآمدی بر مبانی و اصول جرم انگاری ۳۱
- ۱-۴-۱: مبانی جرم انگاری ۳۲
- ۱-۴-۱: آزادی مطلق تا سرحد آزادی دیگران (لیبرالیسم کلاسیک) ۳۲
- ۱-۴-۲: سودمندی و فایده گرایی (لیبرالیسم تجدید نظر طلب) ۳۵
- ۱-۴-۳: کثرت گرایی ارزشی ۳۸
- ۲-۴-۱: اصول جرم انگاری ۴۰
- ۱-۲-۴-۱: اصل ضرر ۴۰
- ۱-۱-۲-۴-۱: عدم کفایت ضرر اصل ۴۲
- ۲-۱-۲-۴-۱: مشخص نبودن تعریف و ماهیت ضرر ۴۳
- ۲-۲-۴-۱: پدرسالاری و انتقادهای وارده به آن ۴۳
- ۳-۲-۴-۱: اخلاق گرایی قانونی و انتقادهای وارده به آن ۴۵
- ۴-۲-۴-۱: مصلحت عمومی ۴۷
- ۵-۱: سیاست جنایی اسلام ۴۹
- فصل دوم: تحلیل مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی** ۵۴
- ۱-۲: اصل ضرر و جرم اهانت به مقدسات دینی ۵۵
- ۱-۱-۲: اصل ضرر و جرم اهانت به مقدسات دینی در انگلستان ۵۶
- ۲-۱-۲: اصل ضرر و جرم اهانت به مقدسات دینی در آمریکا ۵۷
- ۳-۱-۲: اصل ضرر و جرم اهانت به مقدسات دینی در ایران ۶۰
- ۴-۱-۲: اصل ضرر و جرم اهانت به مقدسات دینی در سودان ۶۲
- ۲-۲: اصل مصلحت عمومی و جرم اهانت به مقدسات دینی ۶۳
- ۱-۲-۲: اصل مصلحت عمومی و جرم اهانت به مقدسات دینی در انگلستان ۶۴

- ۲-۲-۲: اصل مصلحت عمومی و جرم اهانت به مقدسات دینی در آمریکا..... ۶۵
- ۲-۲-۳: اصل مصلحت عمومی و جرم اهانت به مقدسات دینی در ایران..... ۶۶
- ۲-۲-۴: اصل مصلحت عمومی و جرم اهانت به مقدسات دینی در آلمان..... ۶۷
- ۲-۳: اصل اخلاق گرایی و جرم اهانت به مقدسات دینی ۶۷
- ۲-۳-۱: اصل اخلاق گرایی و جرم اهانت به مقدسات دینی و انتقاد بر قوانین کشورها..... ۶۹
- ۲-۴: اصل پدر سالاری و جرم اهانت به مقدسات دینی ۷۱
- ۲-۴-۲: اصل پدرسالاری و جرم ارتداد (به عنوان یکی از مصادیق اهانت به مقدسات دینی)..... ۷۲
- ۲-۵: مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات در اسلام..... ۷۶
- ۲-۵-۱: منابع فقهی اهانت به مقدسات در اسلام..... ۷۶
- ۲-۵-۱-۲: آیات و روایات ۷۶
- ۲-۵-۱-۲: فتاوی فقها ۷۶
- ۲-۵-۲: منابع فقهی سب النبی در اسلام (به عنوان یکی از مصادیق اهانت به مقدسات دینی)..... ۷۷
- ۲-۵-۲-۱: سب النبی از نظر فقهای امامیه ۷۷
- ۲-۵-۲-۲: سب النبی از نظر فقه مالکیه ۸۰
- ۲-۵-۲-۳: سب النبی از نظر فقه حنفیه ۸۰
- ۲-۵-۲-۴: سب النبی از نظر حنابله ۸۰
- ۲-۵-۲-۵: سب النبی از نظر شافعیه ۸۱
- ۲-۵-۳: تحلیل مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی در اسلام..... ۸۱
- ۲-۶: جرم اهانت به مقدسات دینی و قلمرو آزادی بیان ۸۴
- ۲-۶-۱: آزادی بیان در انگلستان ۸۸
- ۲-۶-۲: آزادی بیان در ایالت متحده آمریکا ۹۲
- ۲-۶-۳: آزادی بیان در جمهوری اسلامی ایران ۹۴
- ۲-۶-۳-۱: آزادی بیان در مقررات جمهوری اسلامی ایران ۹۴
- ۲-۶-۳-۲: آزادی بیان در اسلام ۹۵

- ۷-۲: جرم توهین به مقدسات دینی در پرتو موازین حقوق بشر..... ۱۰۱
- ۱-۷-۲: اصل برابری و عدم تبعیض ۱۰۱
- ۳-۷-۲: آزادی بیان ۱۰۳
- ۳-۷-۲: حقوق و آزادی های دینی ۱۰۴
- نتیجه گیری..... ۱۰۶
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۰۸

چکیده:

مسئله حقوق ادیان و از جمله حفظ حرمت و عدم اهانت به آنها، از مسائل مهم در دین مبین اسلام و سایر ادیان و قوانین موضوعه است. توهین و هتک حرمت هر چند به عنوان یک بزه عمومی در مورد همه اشخاص قابل تحقق است، اما در خصوص برخی افراد و اشخاص و نمادها، که به علت مقدس و مورد احترام بودن از شرایط ویژه ای برخوردارند می تواند مخاطرات جدی در سطح ملی و بین المللی ایجاد کند و چه بسا برخی از نزاع ها و جنگ ها در سطح بین المللی ریشه در این موارد داشته باشد. جرم انگاری به مفهوم تعیین کیفر برای نقض ارزش های اساسی، در هر جامعه ای با هر ایدئولوژی و سیاست جنایی، مستلزم محدود کردن آزادی افراد و تابعان نظم سیاسی است. برای شناختن مبانی جرم انگاری باید بنیان هایی را بشناسیم که هر حکومت و جامعه بر اساس آن، خود را مجاز به تحدید آزادی های تابعان خود میدانند. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوالات است، مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی از منظر حقوقی چیست؟، آیا نظریه دولت و نوع نظام سیاسی در جرم انگاری اهانت به مقدسات تأثیر گذار است؟ و آیا جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی مخالف آزادی بیان و حقوق اساسی بشر است؟ نگارنده در پایان نامه خود سه نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا را برای مطالعه ی تطبیقی انتخاب نموده است. فرض این است جرم انگاری اهانت به مقدسات مبتنی بر اصل ضرر، اخلاق گرایی و مصلحت عمومی است، فلسفه جرم انگاری اهانت به مقدسات در همه نظامها و کشورها واحد است و جرم انگاری اهانت به مقدسات با آزادی بیان و حقوق بشر منافاتی ندارد. با پژوهش حاضر خواهیم دید حمایت کیفری از مقدسات دینی، سابقه تاریخی طولانی دارد و ادیان الهی و قوانین موضوعه بشری هرگونه تعرض به ادیان یا اعتقادات دینی افراد را با عنوان های کم و بیش مشابهی جرم و قابل تعقیب کیفری دانسته اند. امروزه علاوه بر آموزه های دینی و قوانین ملی، اسناد حقوق بشر بین المللی و منطقه ای هم مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین و ... نیز از آزادی های اساسی و بنیادین بشری از جمله حق برخورداری از عقیده دینی حمایت و دولت ها را به وضع ضمانت اجرای مناسب در راستای تضمین این حقوق ترغیب و تشویق نموده اند .

واژگان کلیدی: مبانی جرم انگاری، اهانت به مقدسات، مقدسات دینی

Abstract

Title: The study on the Fundamentals of Criminalization of Religious Blasphemy

Author: Fateme Tavakoli

The issue of religious rights as lack of respect and contempt them, are important issues in Islam and other religions and laws. Insults and blasphemy although as a general crime against all persons and entities, can be realized however, in some persons and symbols, the special circumstances are, because of sacred, can be a serious hazard to national and international levels and perhaps some of the conflicts and wars in international area are occurred. Criminalization concept is assigned to punishment for breaches of the fundamental values, in any society with any ideologies and criminal policy, It is necessary to limit the freedom of individuals and political order. To understand fundamentals of criminalization should know basis, that Both government and society based on own permits to limit own citizens freedoms. This study seeks to answer these questions, What is Fundamentals of Criminalization of Religious Blasphemy?, Is Theory of the state and the political system affects in the criminalization of religious blasphemy? And is The criminalization of religious blasphemy against freedom of expression and human rights? The writer has chosen in this thesis three legal systems, the Islamic Republic of Iran, the United Kingdom and the United States of America for comparative study. It is assumed, the criminalization of religious blasphemy based on the principle of harm, morality and public interest, the fundamentals of criminalization of religious blasphemy is the same in all systems and countries, the criminalization of religious blasphemy does not conflict with freedom of expression and human rights. By this study we will see Criminal protection of religion blives, has a long history And religions and statutory law, any offensive to religions or people religion blives a more or less similar crime and criminal prosecutions are known. Nowadays in addition to religious and national laws, international human rights instruments and regional, like the universal declaration of human rights, covenants and..., The fundamental freedoms and fundamental human including support of having religions belives, and governments have encouraged to impose appropriate sanctions, in order to guarantee the rights.

Key words: Criminalization- Blasphemy- Religious Blasphemy

مقدمه :

تنوع جغرافیایی زیستی آدمیان، گونه گونی فرهنگ ها و آداب و رسوم ملت ها، شیوه های گوناگون آموزش و پرورش و دهها و بلکه صدها عامل دیگر، موجب تمایز اندیشه ی انسان ها از همدیگر است. با این وجود، مطالعات جامعه شناسان و تاریخ نویسان در باره انسان های اولیه و گروه های قومی - قبیله ای در نقاط مختلف جهان حاکی از وجود عقاید، مراسم و عبادات دینی در این گونه از جوامع است. لذا اعتقاد به دین و احترام نهادن به آداب دینی همزاد جوامع بشری بوده، جزء لاینفک آن می باشد. البته مقدسات دینی در جوامع ابتدایی گاه در قالب پرستش روح و یا سایر قوای طبیعی (فیتیشیزم) و گاه در تقدیس اشیاء و یا حیوانات (توتمیسم) نمود پیدا کرده است. برای مثال در بعضی از قبایل ابتدایی، حیوان یا پرندۀ خاصی مورد پرستش قرار می گرفت و قبیله خوردن گوشت آن حیوان (توتم) را حرام می دانست و تخلف از این دستور مستوجب عقوبت بوده است. (قزوینی، ۱۳۸۸: ۱۰) بنابراین از همان آغاز تشکیل جوامع ابتدایی و اعتقاد به باورهای دینی در همه ادیان شکستن حرمت مقدسات جایز نبوده و همواره شدیدترین مجازات ها در انتظار مرتکبین این گونه اعمال بوده است.

بخش زیادی از فروع دینی در میان پیروان همه ادیان در قالب مناسک و آیین جمعی، برگزار می شود؛ مانند آنکه مسلمانان نماز جماعت، مراسم حج، تشییع و دفن مردگان و مانند آن را به صورت آیینی و جمعی برپا می کنند و مسیحیان، مراسم عشاء ربانی، غسل تعمید و مناجات های هفتگی در کلیسا را در قالب یک برنامه جمعی و آیین ویژه برپا می دارند و پیروان ادیان توهین به این فروع دینی و آیین ها را نیز بر نمی تابند.

در جوامع سنتی، دین معمولاً نقش اساسی در زندگی اجتماعی دارد. نمادها و شعائر دینی غالباً با فرهنگ مادی و هنری جامعه در آمیخته است. دو شکل دین که غالباً در فرهنگ های کوچکتر دیده می شود توتم آیینی و همزاد آیینی است، در جهان امروز نیز دین در زندگی و اعتقادات بسیاری از مردم نقش اساسی دارد. پر نفوذترین ادیان توحیدی در تاریخ جهان، اسلام، مسیحیت و یهودیت است که خاستگاه همه ی آن ها خاور نزدیک بوده است. آیین زردتشت نیز دین یکتاپرستی است که از ناحیه ی بلخ، در شرق ایران قدیم، رواج یافت. ادیان خاور دور، آیین هندو، آیین بودا، آیین تائو می باشد. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۰-۵۰ و ۴۹۶-۵۰۱) با توجه به اینکه هر یک از این ادیان پیروان بسیاری در سراسر جهان دارند و با توجه به نقش اساسی دین در زندگی و اعتقاد مردم، پیروان ادیان، توهین به دین خود را نمی پذیرند و به هر صورتی اعتراض خود را بیان می کنند، تا با هتاکان برخورد جدی شود. و عدم توجه به این مهم می تواند باعث خونریزی ها و حتی جنگ های بین المللی شود.

جرم توهین از جمله جرایم بر ضد حیثیت اشخاص است که با توجه به کیفیت ارتکاب جرم و موضوع یا مخاطب توهین، به توهین ساده و مشدد تقسیم می گردد و اهانت به مقدسات مذهبی به اعتبار موضوع توهین که افراد یا اماکن یا اشیاء مقدس و مورد احترام هستند، در زمره توهین مشدد قرار می گیرد. (موسوی کسمایی، ۱۳۷۸: ۸)

هر چند توهین به ادیان و مقدسات امر جدیدی نبوده و به دین خاصی هم محدود نیست، در دنیای مدرن اضافه بر شیوه های سنتی، ابزارهای جدیدی در اختیار بشر قرار گرفته که از طریق صوت و تصویر، اقدامات موهن امکان انتشار گسترده و مکرر یافته اند و به زمان و مکان خاصی محدود نمی شوند. به تعبیر دیگر، تولید کنندگان فیلم یا تصویر یا کاریکاتور یا سخنرانی و یا سایر موارد

توهین آمیز، پس از تولید و انتشار این موارد، حتی اگر از کار خود نادم و پشیمان هم باشند، دیگر قادر به جمع آوری یا محو آن یا پیش بینی و کنترل شیوه و حوزه توزیع آن نخواهند بود. با عنایت به این که جنگ های ویرانگر بین المللی یا درون کشوری در تاریخ بشر، بهانه های بسیار کوچک و جزئی داشته اند، خطر برهم خوردن نظم و امنیت بین المللی یا مخاصمات بی پایان درون کشوری در نتیجه انتشار گسترده این قبیل آثار که باعث جریحه دار شدن احساسات میلیون ها انسان می گردد، امر دور از انتظار و غیر احتمالی نیست که نمونه بسیار نزدیک آن کشته شدن افراد بی گناه در پی انتشار قسمت هایی از یک فیلم موهن تولید شده در کشور امریکا در یک شبکه اجتماعی است که خشم مسلمانان کشورهای مختلف را در پی داشته است. با توجه به این که جرم انگاری توهین به مقدسات دینی و مذهبی به خصوص اگر با حمایت نهادهای حافظ صلح و امنیت بین المللی همراه شود می تواند همه کشورها را به پیش بینی و وضع مقررات بازدارنده در این خصوص وادار کند، به نظر می رسد زمان مداخله سازمان ملل و نهادهای ذی ربط و توصیه به اتخاذ راهبردهای بازدارنده و فراگیر در این زمینه است. امری که در خصوص موارد کم اهمیت تری هم چون مبارزه با دزدی دریایی، قاچاق مواد مخدر، فساد اقتصادی، تروریسم و .. اتفاق افتاده است. مقررات موجود ملی در خصوص توهین به مقدسات دینی که معمولاً ضمانت اجرایی نسبت به توهین به مقدسات نسبت به برخی ادیان یا دین غالب ساکن آن سرزمین مقرر کرده اند،^۱ در شرایط امروزی که رسانه ها با امکان دسترسی فراملی و بدون مرز عهده دار پخش موارد توهین به مقدسات می شوند قادر به تضمین ارزش های دینی و بازدارندگی از آسیب های مورد اشاره نیست. و یا بیان این عذر که به علت احترام به آزادی های مشروع از جمله آزادی اطلاعات نمی توان مانع تولید و انتشار این قبیل موارد شد، پاسخ گوی مشکلات جبران ناپذیر مورد اشاره نخواهد بود.

در برخی از نظام های حقوقی، اصطلاح " جرم های مبتنی بر نفرت " به ندرت استفاده می شود. جرم های مبتنی بر نفرت یعنی جرایمی که با انگیزه ی تعصب مجرم - به طور کلی یا جزئی - علیه نژاد، مذهب، ناتوانی، موقعیت جنسی، قومیت یا منشا ملی ارتکاب می یابد. اما آنچه در تعریف جرم های مبتنی بر نفرت اهمیت دارد انگیزه ی ارتکاب جرم است. دفتر مدیریت دادگستری آمریکا، جرم مبتنی بر نفرت را، جرمی براساس نژاد، مذهب، موقعیت جنسی، قومیت یا منشا ملی تعریف نموده است. در قوانین کشورهایمانند آلمان، انگلستان، و ولز، در تعریف این جرم بر انگیزه ی نژادی مرتکب تأکید می شود، که این انگیزه ی نژادی حتی می تواند در گفتار مبتنی بر نفرت نیز متبلور شود. در فرانسه به انگیزه ی نژادی، تعصب و بیگانه گریزی توجه ویژه شده است. در آمریکای شمالی جرم های مبتنی بر نفرت بیش تر شامل رفتارهایی هستند که براساس نوع نژاد، مذهب، قوم، موقعیت جنسی و سن، همچنین ناتوانی و معلولیت بزه دیده ارتکاب می یابند. به این ترتیب اقلیت های مذهبی نیز در یک جامعه به دلیل نوع مناسک، پوشش و بالاخره، اعتقادات و باورهای ویژه ی مذهب خود، می توانند در زمره ی بزه دیدگان جرم های مبتنی بر نفرت قرار گیرند. امروزه بیشتر کشورها از رشد جرم های مبتنی بر نفرت نگران بوده و برای مهار این پدیده از طریق پیش گیری کیفری (کیفر گذاری شدید، و در نظر گرفتن معیارهای موثر در فرایند رسیدگی) و غیر کیفری یا پیشگیری اجتماعی و پیش

^۱ . به عنوان نمونه، در حقوق انگلستان، قلمرو انتشار عقاید ضد دینی منحصر به جرم توهین به مقدسات است که این جرم شامل توهین به "اعتقادات کلیسای انگلیس (Anglican religion)" است. یا در حقوق ایران توهین به مقدسات اسلام جرم تلقی شده است که در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، گرایش به محدود کردن این جرم به توهین به مقدسات مذهب شیعه مشهود است.

گیری وضعی از جرم (برنامه های آموزشی، برنامه ی حمایت از این نوع دیدگان، برنامه ی مدارس اجتماع و...) تدابیر مناسبی را اتخاذ نموده اند. (عباچی، ۱۳۸۸: ۵۶۱-۵۷۹)

بدیهی است که مبانی و اصول توجیه کننده جرم انگاری از این منظر، فراملی و فرادینی خواهد بود. به بیان دیگر، با توجه به این که دلایل جرم انگاری توهین از منظر درون دینی منصرف به مقدسات همان دین خواهد بود، لازم است جرم انگاری توهین به مقدسات دینی مستند به اصولی جامع و فراگیر گردد که در همه نظام های حقوقی قابل تسری باشد.

منشور ملل متحد، شناسایی کرامت و حیثیت ذاتی انسان ها را از پایه های صلح، آزادی و عدالت در جهان قلمداد نموده و لذا به نظر می رسد که حقوق و آزادی های افراد که در منشور جهانی حقوق بشر مورد شناسایی و اذعان قرار گرفته اند، باید در پرتو اصل اساسی رعایت کرامت انسان ها مطالعه شوند و از همین روست که از سویی، برای آزادی فکر جایگاه و منزلت خاصی در نظر گرفته شده، چرا که تفکر ریشه در شخصیت فرد دارد و از سوی دیگر، ابراز و بیان ایده ها و نقطه نظرها، اگرچه به عنوان ابزاری برای پیش برد شخصیت فردی تلقی می گردند، با این محدودیت همراه می باشند که حیثیت دیگران را خدشه دار نمایند.

لکن این سوال وجود دارد که آیا حتی با توهین به مقدسات دینی یک جامعه و یا برخی از آحاد آن، باید در مقام احقاق حقوقی مانند آزادی بیان برآمد؟ مطمئناً در این رابطه رویکردها می توانند بسته به تفاوت های فرهنگی و ارزشی متفاوت باشند و با توجه به زمان نیز با تغییر و تعدیل هایی مواجه گردند. میزان رابطه ی میان دین و قدرت عمومی حاکم، و نگاه دولت به موضوع سهم هریک از دو سوی معادله ی دین و حقوق و آزادی های شهروندی و یا نظم عمومی و اعمال آزادی های فردی، خود می تواند نقش بسزایی را در رابطه با ارائه ی یک پاسخ صحیح به این سؤال داشته باشد. در این پایان نامه نگارنده در بررسی تطبیقی مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی، سه نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران، انگلستان و ایالات متحده را انتخاب نموده و به طور مختصر بعضی نظام ها که به نظام های حقوقی مزبور شبیهند از جمله سودان، نیوزلند، آلمان نیز پرداخته است.

پرسش و فرضیه ی پژوهش:

در این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش ها هستیم:

۱. مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی از منظر حقوقی چیست؟
 ۲. آیا نظریه دولت و نوع نظام سیاسی در جرم انگاری اهانت به مقدسات تأثیر گذار است؟
 ۳. آیا جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی مخالف آزادی بیان و حقوق اساسی بشر است؟
- فرضیه های تحقیق:

۱. جرم انگاری اهانت به مقدسات مبتنی بر اصل ضرر، اخلاق گرایی و مصلحت عمومی است.
۲. فلسفه جرم انگاری اهانت به مقدسات در همه نظامها و کشورها واحد است.
۳. جرم انگاری اهانت به مقدسات با آزادی بیان و حقوق بشر منافاتی ندارد.

پیشینه ی پژوهش:

در باب موضوع پژوهش، هر چند پایان نامه ای با این عنوان ارائه نشده است ولی در خصوص موضوع کارهای متعددی ارائه شده است که عموماً بررسی ها به صورت فقهی بوده است.^۲ که با توجه به اینکه بررسی پایان نامه حاضر در پی چرایی و مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی می باشد بیانگر تازگی و ضرورت رساله ی حاضر می باشد. هر چند نگارنده منکر آن نمی باشد که از پایان نامه های ذکر شده بهره برده، لذا سپاسگذار نویسنده بزرگوار می باشم.

در واقع آنچه از نگاه ما، وجه تمایز این نوشته با دیگر موارد است بررسی تحلیلی مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی است.

ضرورت و اهمیت پژوهش:

با شناخت مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات، شیوه های تقنینی و اجرایی، تشخیص وقوع جرم و مجازات متناسب با آن باید به گونه ای انتخاب شوند که آثار و تبعات نابهنجار و غیر قابل تحمل نداشته باشد و خلأهای قانونی موجود نیز برطرف شود. همچنین مطالعات تطبیقی نیز میتواند اثرات مفیدی در تقنین و اجرا داشته باشد.

^۲ پایان نامه "جرم اهانت به مقدسات مذهبی"، سید کمال الدین موسوی کسمایی، ۷۸-۱۳۷۷ دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

پایان نامه "توهین به مقدسات دینی در حوزه ی آزادی مطبوعات"، مرتضی نجابت خواه، ۸۵-۱۳۸۴ دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

پایان نامه "بررسی مسئله اهانت به مقدسات اسلام در فقه امامیه حقوق موضوعه ایران"، فاطمه گچکار، ۱۳۸۹، گروه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان.

روش و منابع پژوهش:

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی می باشد که با استفاده از منابع کتابخانه ای صورت گرفته است بدین صورت که در ابتدا، مبانی فکری موضوع و مفاهیم پژوهش تبیین شده و سپس در مقام تحلیل موضوع در راستای فرضیه تحقیق بر می آیم.

ساختار پژوهش:

این نوشتار در دو فصل سامان یافته است:

فصل اول با عنوان کلیات و چارچوب مفهومی به تبیین واژگان پژوهش می پردازد، در این فصل سعی می کنیم با تحلیل و بررسی مفاهیم واژگان، بررسی تطبیقی، مبانی جرم انگاری، اهانت، مقدسات، دین ادبیات و بستر معنایی موضوع پژوهش را فراهم کنیم البته در این ضمن نظریات جامعه شناسان در زمینه دین، تاریخچه ی اهانت به مقدسات دینی را نیز در این فصل مورد بررسی قرار می دهیم. و در پایان این فصل سیاست جنایی اسلام را مورد بررسی قرار می دهیم.

فصل دوم به بررسی تحلیلی مبانی جرم انگاری اهانت به مقدسات دینی می پردازیم و در ضمن تحلیل هر اصل جرم انگاری، به صورت تطبیقی قوانین و آرای قضایی را بررسی خواهیم کرد. و در بررسی تطبیقی قوانین و آرای قضایی، سه نظام جمهوری اسلامی ایران، انگلستان، ایالات متحده آمریکا محور بحث خواهند بود. همچنین در این فصل به بررسی اهانت به مقدسات دین و قلمرو آن با آزادی بیان خواهیم پرداخت و بررسی مبانی جرم انگاری اسلام در این زمینه نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در مبحث پایانی این فصل با عنوان اهانت به مقدسات دینی در پرتو موازین حقوق بشر، سه نظام حقوقی مورد بررسی را به چالش کشیده، و بررسی به صورت تحلیلی صورت خواهد گرفت.

فصل اول:

کلیات

در این فصل چنانکه از عنوان آن برمی آید در پی شناساندن مفاهیم کاربردی و واژه شناسی و شرح اصطلاحات در پژوهش هستیم. هدف از این کار آشنایی با مفهوم عباراتی است که نه تنها به طور عام بلکه در نگارش های حقوقی نیز ممکن است دارای مفاهیم متعدد و متفاوتی باشند، لذا برای همسوسازی مخاطب لازم است پیش از ورود به مباحث اصلی پژوهش مراد خود را از این مفاهیم بیان کنیم.

۱-۱: واژه شناسی و ادبیات تحقیق

چنان که می دانیم در هر پژوهش و به طور کلی اثر مکتوب، نخستین چیزی که نویسنده را متعهد نموده و با مخاطب ارتباط برقرار می کند عنوانی است که برای آن اثر برگزیده می شود. به همین دلیل در این مبحث لازم است عنوان پژوهش را به طور جزء به جزء مورد بازخوانی قرار داده و مفاهیم خفته در آن را که تا پایان این پژوهش مورد استفاده خواهد بود بیان داشته و آن چه منظور نظر ما از آنها بوده است را بیان کنیم. پس از پرداختن به شرح عنوان با دیگر اصطلاحاتی که در این پژوهش مورد کاربرد است به نحو اجمال آشنا خواهیم شد.

۱-۱-۱: مبانی جرم انگاری

اصطلاح «مبانی جرم انگاری» خود متشکل از دو جزء «مبانی» و «جرم انگاری» است. نخست مفهوم هر واژه را به طور جداگانه و آن گاه عبارت مرکب از هر دو واژه را بررسی خواهیم کرد.

«مبانی» جمع مبنا به معنای جای است. اصحاب لغت در بیان آن از تعابیری چون بنیاد، اساس و شالوده نیز بهره جسته اند. هم چنان که از آن به ابتداء، اصل، اول، بنیان و پایه نیز تعبیر شده است. (دهخدا: ۴۳/۲۱۴-۲۳۶)

از آنجا که حقوق کیفری و جرم انگاری بخشی از علم حقوق محسوب می شود برای فهم «مبانی جرم انگاری» ابتدا باید مراد از «مبانی حقوق» را بفهمیم. برخی از حقوقدانان معتقدند که مراد از مبانی حقوق، پایه و دلیل و نیرویی است که قواعد حقوقی هر جامعه بر آن بنا نهاده شده است. مبانی حقوق به نوعی، پاسخی به این پرسش است که تحمیل قانون بر همگان با چه دلیلی قابل توجیه است و چه عاملی از آن حمایت می کند، به طور خلاصه چرا باید از قانون پیروی کرد؟ (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱: ۳۰) همچنین ر.ک. کاتوزیان: ۱/۲) بنابراین، در مبانی حقوق سخن از سرچشمه ی قواعد حقوقی است.

برای آشنایی بهتر با مفهوم «جرم انگاری» ابتدا لازم است تا تعریفی از واژه ی «جرم» ارائه داده و نظرات حقوقدانان درباره ی آن را بدانیم. عموماً در حقوق کیفری از جرم به عنوان فعل یا ترک فعلی تعریف شده است که برای آن مجازات تعیین گردیده باشد. به گفته ی عزت عبد الفتاح این تعریف هر چند «عینی، صریح و کوتاه است» هم موسع است و هم مضیق. موسع است؛ زیرا قابل سرایت به رفتارهایی است که با وجود جرم انگاری آنها توسط قانون گذار، نه مضراند و نه ضد اجتماعی، به گفته ی او، از این تعریف نمی توان فهمید که چه رفتاری قابلیت منع کیفری دارد. آیا چون قانونگذار خواسته تا آن رفتار جرم باشد جرم است یا نه افعالی هستند که بالذات قبیح به حساب می آیند و آیا قانونگذار واضح قانون و رفتار مجرمانه است یا کاشف و اعلام کننده ی آن؟ مرز رفتارهای غیرقانونی مستوجب کیفر که در دایره ی حقوق کیفری قرار می گیرند با رفتارهایی که در دایره ی اقتدار

عمومی هستند اما پاسخی غیر کیفری دریافت می کنند چیست؟ آیا برای تشخیص این مرز، ملاک و معیاری عینی و نه دلخواهی می توان معرفی کرد؟ (عبدالفتاح، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

با پذیرش این سخنان در خصوص جرم و جرم انگاری، به ناچار با برخی از اساتید به ویژه جرم‌شناسان و کنش اجتماعی هم باور می شویم که قانون و نهادهای عدالت کیفری خود «سبب اصلی» جرم هستند. بنابراین، با نقدی که بر تعریف «قانونی» از جرم وارد شد، این حقیقت اجتماعی را این گونه می توان تعریف کرد، جرم حقیقتی است بیرون از اراده ی قانونگذار و از این لحاظ ماهیت اجتماعی و وجود ثابتی دارد و شاید به دلیل فطرت واحد افراد بشر است که مایه شباهت نظام های کیفری با یکدیگر می شود. با وجود این، عناصر نااثبتی هم دارد که بخش متغیر و نسبی آن را تشکیل می دهد و موجب تفاوت نظام های حقوقی خصوصاً کیفری در کشورهای مختلف می شوند. این تغییر گاهی از عوامل سیاسی و اجتماعی ناشی می شود که امری طبیعی است و گاه از عوامل و متغیرهایی سرچشمه می گیرد. (محمودی، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۳)

گسن در مقاله ی «آیا جرم وجود دارد» از آنها با عنوان «آسیب های حقوق کیفری» یاد می کند. (گسن: ۱۰۰) برخی دیگر از نویسندگان از جرم به خطای عمومی یاد کرده اند، از آن جهت که عموم مردم به طور کلی از ارتکاب آن متأثر می شوند. به بیان دیگر جامعه به وسیله جرم تهدید یا آزرده می گردد. برای مثال در این دیدگاه، جرم تجاوز جنسی اثری بیش از ایراد ضرر به قربانی مستقیم خود دارد. با ارتکاب تجاوز، جامعه مورد تهدید قرار گرفته و از امنیت آن کاسته می شود؛ زیرا متجاوز ممکن است دوباره حمله کند. بنابراین جامعه حاضر نیست که تنها به پرداخت غرامت توسط مجرم به قربانی بسنده کند بلکه در پی جبران زیان وارده به خود نیز هست؛ در نتیجه تجاوز جنسی جرم شناخته شده و جامعه درصدد دستگیری متجاوز و مجازات وی برمی آید. (کلارکسون، ۱۳۷۴: ۱۷)

حال که با مفهوم جرم آشنا شدیم و دانستیم که جرم در بیشتر موارد، ماهیتی غیر از اراده ی قانونگذار دارد و قانونگذار پس از کشف آن ماهیت موظف است برای آن تعیین کیفر نماید، باید بدانیم مبانی که توجیه کننده جرم انگاری است، چیست. برای روشن شدن مفهوم «جرم انگاری» پس از مشخص شدن مفهوم جرم، نخست لازم است تا جایگاه این موضوع را در حقوق کیفری بیابیم. اگر حقوق کیفری را به سه لایه تقسیم کنیم، نخستین و مهمترین آنها جرم انگاری است که دو لایه ی «مجرمیت-مسئولیت کیفری و تعیین مجازات» و «اجرای مجازات» در پی آن آمده اند. جرم انگاری یا همان لایه ی نخستین حقوق کیفری مرز قلمرو آزادی های فردی و محدوده ی سایر ابزارهای کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی این رشته از حقوق است. این را می توان نقطه ی آغاز حقوق کیفری دانست. (محمودی، ۱۳۸۲: ۲)

جورج فلچر، جرم انگاری را اصلی ترین پرسش در حقوق کیفری می داند که نوعی فلسفه ی سیاسی و اخلاقی هر جامعه نیز هست. (نوبهار، ۱۳۸۷: ۱۲)

برخی از حقوقدانان «جرم انگاری» را فرآیندی گزینشی دانسته اند که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی یا ضرورت های دیگری که بر پایه ی همان مبانی جرم انگاری شکل گرفته است، رفتاری را ممنوع یا الزام آور می کند و برای حمایت از آن، ضمانت اجرای کیفری- که آخرین تهدید حقوقی است- قرار می دهد. اینان جرم انگاری را «فرآیند»

دانسته اند؛ زیرا تصویب هر عنوان مجرمانه مستلزم شور و مشورت و ملاحظه‌ی بسیاری از جنبه‌های فردی و اجتماعی است و «گزینشی» گفته‌اندش، زیرا دولت و نهاد قانونگذاری، تنها برخی از رفتارهای ناقص پذیرفته شده یا اخلال‌کننده در زندگی فردی و اجتماعی را در دایره‌ی حمایت کیفری قرار می‌دهد. پایه‌ی این گزینش‌گری همان مبانی و اصولی-در تعریف اصول نیز خواهد آمد- است که برای جرم‌انگاری و به بیان بهتر، مداخله‌ی دولت وجود دارد. (محمودی، ۱۳۸۲: ۳۰)

با مشخص شدن جایگاه و تعریف جرم‌انگاری، باید دانست که همواره برای جرم‌انگاری یک عمل و به کیفر رسانیدن افراد، حتی آن‌گاه که آزادی دیگران را نقض کرده‌اند، باید دلایل کاملاً موجهی داشته باشیم. این دلایل همان مبانی جرم‌انگاری است. بنابراین، مراد از مبانی جرم‌انگاری ریشه‌های فلسفی (حقوقی و سیاسی)، جامعه‌شناختی و کلامی توسل به قاعده‌ی کیفری است. همچنین پاسخ به این پرسش است که چرا جامعه و دولت به نمایندگی از آن حق دارد رفتاری را با تهدید کیفری منع یا الزام کند؟ مبنای ریشه‌ی قاعده‌ی حقوقی سخن به میان می‌آورد و هدف، غایت و نتیجه آن. (محمودی، ۱۳۸۲: ۲۰)

۱-۱-۲: اصول جرم‌انگاری

مفهوم دیگری که در این پژوهش مورد کاربرد ماست و باید مراد از آن مشخص گردد، «اصول جرم‌انگاری» است. چنان که گفتیم یکی از معانی لغوی «مبنا»، «اصل» است. اصول جرم‌انگاری که به نوعی تابع مبانی جرم‌انگاری هستند نوعاً از شرایطی سخن می‌گویند که بیان‌گر دلایل اخلاقی برای حمایت از قانونگذاری کیفری در موضوعی خاص است به گونه‌ای که در چنان شرایطی اقدام کیفری نامشروع تلقی نمی‌شود. (محمودی، ۱۳۸۲: ۱۸۵). مراد ما از "مبانی جرم‌انگاری" در این پژوهش، اصول جرم‌انگاری اهانت به مقدسات دینی است.

۱-۱-۳: اهانت

واژه‌ی اهانت که عنوان مجرمانه جرم موضوع بحث را تشکیل می‌دهد نیاز به توضیح دارد توهین از لحاظ لغت از ریشه «وهن» گرفته شده و به معنای سستی آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق) و به معنی «سست کردن، ضعیف کردن و خوار و خفیف کردن» می‌باشد. (عمید، ۱۳۶۴: ۶۴۳)

در اصطلاح، این واژه به هر رفتاری (اعم از فعل، گفتار، اشاره یا نوشتار) دلالت دارد که بتواند به نحوی موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه شود. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۴۱۷)

هرچند برخی از حقوقدانان ادعا کرده‌اند که کلمه توهین به قدری کشدار است که نمی‌توان آن را تعریف نمود، بدین جهت بر عهده هیأت منصفه دانسته‌اند که با توجه به مقام، اوضاع و احوال، موهن بودن عمل را تشخیص دهد (گارو، ۱۳۴۸: ۷۵۶) ولی عده‌ای از حقوقدانان توهین را چنین تعریف کرده‌اند. مراد از توهین در اصطلاح حقوقی همان معنی عرفی آن است، از این رو توهین عبارت است از هر گونه عملی که به نحوی از انحا در حیثیت متضرر از جرم (مهتوک)، نوعی وهن وارد کند، به عبارت دیگر، می‌توان توهین را در معنای عام آن چنین تعریف نمود. توهین عبارت از هر فعل یا ترک فعل اعم از گفتار، رفتار، کتابت و اشارت است که به نحوی از انحا در حیثیت و شرافت طرف جرم، وهن وارد آورد و در معنای خاص عبارت است از نسبت

دادن هر امر وهن آور، اعم از دروغ و راست و به هر وسیله و طریقه ای که باشد؛ به عبارت دیگر، هر فعل یا ترک فعلی که از نظر عرف و عادت موجب کسر شأن یا باعث تحقیر یا پست شدن طرف گردد، توهین تلقی می شود. (پاد، ۱۳۴۷: ۳۳۹)

«رایدر»^۳، سال ۱۷۵۹ در حقوق انگلستان ذیل تعریف واژه «Blasphemy» می نویسد:

« اظهار برخی توهین ها به خداوند، هر یک از اشخاص ثلیث، هر فرستاده ی خدا، فرمان مقدس وی، یا دکتترین های وحی، خواه به طور شفاهی و یا با نوشتن هر چیز ناخوشایند نیز از آن ها و یا انتخاب هر موضوع نامطبوعی به آن ها که با خصوصیات آن ها و احترامی که ما برای آن ها قائل می باشیم، ناسازگار است (رایدر به نقل از نجابت خواه، ۱۳۸۵: ۷۱) « د. جی فلدین»، مشاور حقوقی « کمیته مشترک در خصوص حقوق بشر» در ارائه یک تعریف نوین از جرم، با توجه به احکام صادره در دعوی مختلف بیان می دارد که به نظر می رسد توهین به مقدسات ارتکاب می یابد: «با الفاظ، تصاویر و رفتاری که هر شخصی می تواند در معرض دید عموم از خود بروز دهد و با آن، دکتترین ها، اعتقادات، نهادها و یا موضوعات و شعائر مقدس کلیسای انگلستان را که قانوناً به رسمیت شناخته شده، مورد انکار قرار داده و یا به آن ها شدیداً اهانت و بی احترامی نماید و یا اینکه فعلی زشت، زننده و اهانت بار و یا سوء رفتاری نسبت به موضوعات مقدس، احتمالاً جهت ایجاد شوک و بی حرمتی نسبت به احساسات کل معتقدان به کلیسای انگلستان در جامعه صورت گیرد. (www.ment.the-stationery-office.co.uk.parlia)

ماده واحده تفسیر مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۷، ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی ایران و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۴ بیان می دارد که از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین... عبارت است از بکار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تحقیر و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ، توهین تلقی نمی گردد. (روزنامه رسمی شماره ۱۶۲۸۱-۱۳۷۹/۱۰/۲۵) با توجه به این ماده واحده، نتیجه ای که حاصل می شود این است که اعمال و حرکات نیز از مصادیق توهین به حساب می آید.

این عمل نه تنها از لحاظ حقوقی بلکه از نظر اخلاقی و مذهبی ناپسند شمرده می شود. خداوند در قرآن کریم عمل عیب گویان هرزه زبان را تقبیح کرده^۴، بدزبانی را مذمت فرموده^۵ و از مسخره کردن دیگران باز داشته است.^۶

۱-۱-۴: مقدسات دینی

در ابتدا به توضیح مفهوم دین می پردازیم و نظرات جامعه شناسان را در این زمینه بیان می کنیم.

³ Rider

^۴ آیه اول سوره حمزه: ویل لکل همزة لمزة

^۵ آیه ۱۴۷ سوره نساء: لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعاً علیماً

^۶ آیه ۱۱ سوره حجرات: یا ایها الذین امنوا لا یسخر قوم من قوم عسی ان ینکونوا خیراً منهم و لا نساء من نساء عسی ان ینکن خیراً منهم و لا تلمزوا انفسکم و لا تنازروا بالالقب بئس الاسم الفسوق بعد الایمان و من لم یتب فاولئک هم الظالمون

۱-۴-۱: دین

دین در لغت به معنای فرمانبرداری، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا و در اصطلاح مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی است که خداوند از طریق پیامبران برای هدایت و سعادت انسان ها نازل فرموده و دارای ابعاد مختلفی نظیر بعد شناختی و آموزه‌ای، اخلاقی، فردی، عبادی، حکومتی، اقتصادی، حقوقی و جزایی، احساسی و روانی و آرمانی است. اگر چنین دینی بدون تحریف باشد، دین حق و اگر بخشی از آن تحریف شده باشد، دین باطل نام می‌گیرد. (سبحانی: ۲۱، ۱۳۸۸)

از نظر قرآن کریم، ادیان وحیانی با همه ی جلوه های تاریخی شان دارای ماهیت واحدند. نام عمومی این ادیان که در واقع بیانگر روح تعالیم همه پیامبران آسمانی است «اسلام» است.^۷ (غفارزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۳)

هرچند متکلمین و فلاسفه مسلمان، علاقه مند به ارائه تعریفی از دین بوده اند، ولی این تحولات اجتماعی در غرب و تفکیک سازمان های اجتماعی از یکدیگر و تعریف کارکرد آنها بود که معضل تعریف مفهوم و نهاد دین را به سطح مجادله جدی آکادمیک کشاند. انگیزه چنین تلاش هایی شفاف نمودن تعریف نهاد دین، ساختار و کارکرد آن و تمایزات این نهاد از دیگر نهادها بود با وجود تلاش برای اجتناب از بحث های مناقشه آمیز کلامی در غرب، دیدگاه های جامعه شناسانه، فلاسفه دین و دین شناسان در مورد نهاد دین بسیار مشتت است. این تشتت تنها به تعریف نهاد دین مربوط نمی شود، بلکه در مورد ساختار، کارکرد و تفسیر دین نیز هماهنگی وجود ندارد.

دشوار است بتوان به تعریف مانع و جامعی از دین در چارچوب جامعه شناسی دست یافت. جامع و مانع بودن تعاریف دین از آن جهت محل تردید است که هویت معینی که به اشاره تعاریف متوجه آنها باشد، به علت خصوصیت دین به عنوان یک پدیده اجتماعی در فرهنگ بشری که با مفاهیمی چون ایدئولوژی، سنت، ارزش، اخلاق و... آمیخته می شود، وجود ندارد، از این رو تعریف و تحدید این که کدام جزء یا عنصر جزء مشترک دین و کدام جزء مقوم و فصل دین است، امر بسیار پیچیده ای می شود. اما دشواری مطلب تنها در این نیست، سوال های بسیاری در مورد تعریف دین وجود دارد که در صورت نیل به یک تعریف از نهاد دین، آیا می توان آن را تعمیم زمانی و مکانی داد؟ آیا دین ابتدایی همین است که ما در شرایط کنونی با آن رو به رو هستیم؟ و آیا به فرض دستیابی به تعریفی جامع و مانع از مثلاً دین اسلام، این تعریف در مورد مسیحیت و یا بودیسم هم صدق می کند؟ و آیا عنصری به نام جوهر یگانه برای دین متصور است؟

گفته می شود، اولین تعاریف ارائه شده از نهاد دین در علوم اجتماعی احتمالاً از سوی تایلر^۸ عرضه شده است. تایلر دین را اعتقاد به ماورای طبیعت یا هستی های روحانی تعریف کرده، اولین مرحله آن را همانندنگاری می داند؛ به این معنا که فقط در وجود انسان ها، بلکه حتی در اشیاء نیز لانه کرده است.

^۷ . آیه ۱۹ سوره آل عمران: ان الدین عندالله الاسلام

اسپنسر^۹ رویکردی مشابه به تایلر دارد و معتقد است تجربه خواب دیدن ماهیت دوگانه جسم و روح را به انسان القا می کند. او با طرح دیده شدن مردگان در رویا، اولین نمودهای دین داری را در عبادت جان ها یا ارواح مردگان معرفی می نماید. (هملتون، ۱۳۷۷: ۴۲)

اشکالی که به این تعریف وارد می شود این است که اولاً دین در عرصه اجتماع معمولاً امری بیش از اعتقاد صرف است و همواره با عمل اجتماعی و مناسک و شعائر همراه است و در ثانی در بسیاری از ادیان، به امری به جز امری که مقدس خوانده می شود پرداخته می شود. دورکیم از بنیانگذاران جامعه شناسی با علم به این نقص ها می کوشد تعریف جامع و مانعی از دین ارائه دهد، از نظر وی پدیده های دینی عمدتاً به دو مقوله بنیادی تقسیم می شوند: «باورها و مناسک» (دورکیم: ۱۳۸۳: ۴۸) مناسک دینی نیز تنها به دلیل باورهای خاصی که پشت آنها نهفته است، از دیگر مناسک متمایز می شوند. بنابراین مهمترین خصلت سرشتی دین، باورهای آن است. باورهای دینی با همه تنوع یا سادگی و پیچیدگی خود در یک مسئله مشترک اند و آن تقسیم امور و اشیاء به ناسوتی و لاهوتی است. هیچ دینی را نمی توان یافت که دست به این تقسیم بندی نزنند. هستی از نظر یک فرد دیندار شامل دو حوزه متمایز است، بخشی امور لاهوتی و مقدس را تشکیل می دهد و بخشی متشکل از امور ناسوتی و عادی است. تعریف دین بدین گونه ممکن است جامع باشد، اما مانع نیست. زیرا جادو نیز دارای باورها و مناسک است و نمی توان این دو را از یکدیگر متمایز ساخت، حال آنکه باید گفت تمایز حقیقی جادو و دین در آن است که دین همواره امری اجتماعی است و عامل همبستگی به شمار می رود. در صورتی که جادو امری است تکنیکی و فردی برای حل مسائل افراد منفرد، و همین تفاوت اساسی است که دین را از جادو جدا می کند. (همان: ۵۹)

در واقع دورکیم دین را واکنشی فلسفی یا روانی به طبیعت نمی داند، بلکه آن را تلاشی در جهت حفظ جامعه و سرکوبی اهداف خویشتن مدارانه و اولویت بخشیدن به اهداف جامعه قلمداد می کند. گرچه تعریف دورکیم از دین در چارچوب جامعه شناسی از تعریف تایلر و اسپنسر کاملتر است ولی ابهام در مورد امر قدسی همچنان باقی است. این تعریف همچنین نسبت به کارکرد و ساختار دین بی اعتناست و از این رو گرچه ابهام تعریف تایلر و اسپنسر را ندارد، ولی دارای جامعیت و مانعیت نیست.

ماکس وبر^{۱۰} چندان عنایتی به فراهم کردن تعریفی جامع از دین ندارد چون به گمان او در تعریف دین و گفتن این که دین چیست در آغاز بحث امکان ندارد. اگر بتوان تعریفی برای دین ارائه داد تنها در پایان یک مطالعه امکان پذیر است. حتی ذات دین مورد توجه ما نیست، چون ما وظیفه خود را مطالعه شرایط و اثرهای سنخ خاصی از رفتار اجتماعی قرار می دهیم. (علوی، ۱۳۸۶: ۸۸)

در هر حال ارائه تعریفی دقیق، جامع و مانع از دین بسیار ناممکن به نظر می رسد. تنوع و تکرر ادیان عامل عمده در این باره است. هر چند اندیشمندان متعددی تلاش کرده اند این ناممکن را ممکن سازند اما کمتر موفق بوده اند چنانکه آنتونی گیدنز^{۱۱} از جامعه شناسان بزرگ پس از ملاحظه این دشواری ها می گوید: «برای احتراز از افتادن در دام تفکر یک سویه فرهنگی درباره دین شاید

9. Spencer

10. Max Weber

11. Anthony Giddens

بهرتر باشد بحث را با گفتن این مطلب به طور کلی آغاز کنیم که دین چه نیست و دین چه هست. (گیدنز، ۱۳۸۵:۹۶) به این ترتیب توضیحات این جامعه شناس به نظر بهتر بتواند به بحث ما کمک کند.

گیدنز در توضیح دین چه نیست توضیح می دهد که: «نخست، دین نباید با یکتاپرستی (اعتقاد به یک خدا) یکسان دانسته شود...

دوم، دین نباید با دستورالعملهای اخلاقی که ناظر بر رفتار مومنان است-مانند فرمانهایی که موسی از خداوند دریافت کرد- یکسان پنداشته شود...

سوم، دین لزوماً به تبیین این موضوع نمی پردازد که دنیا بدین گونه که هست چگونه به وجود آمده است...

چهارم، دین را نمی توان به امور فوق طبیعی که ذاتاً متضمن اعتقاد به جهانی فراسوی قلمرو حواس است یکسان پنداشت... و در ادامه در توضیح دین چه هست بیان می دارد:

ویژگی هایی که به نظر می رسد همه ادیان در آن مشترک اند از این قرار است. ادیان متضمن مجموعه ای از نمادها هستند، که احساسات حرمت یا خوف را طلب می کنند، و با شعائر یا تشریفات (مانند مراسم کلیسا) که توسط اجتماع مومنان انجام می شود پیوند دارند. خواه اعتقادات یک دین شامل خدایان باشد یا نباشد، عملاً همیشه موجودات یا اشیایی وجود دارند که حالات خوف یا حیرت را القا می کنند... او همچنین شعائر مانند دعا خواندن، سرود خواندن، خوردن انواع معینی از غذاها یا خودداری از خوردن بعضی از غذاها و نیز تشریفات جمعی از ویژگی های مشترک ادیان می داند. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۹۶-۴۹۷)

۱-۱-۴-۲: مقدسات

از نظر لغوی مقدسات جمع کلمه «مقدسه» می باشد که این لفظ خود تأنیث «مقدس» است و مصدر آن کلمه «قدس» می باشد. کلمه قدس را در معنای مصدری آن به طهارت و پاکیزگی و برکت معنا کرده اند (الخوری، ۱۸۸۹ م: ۹۷۲) در لغت نامه معانی ذیل برای کلمه مقدس آورده شده است:

پاک کرده، به پاکی یاد شده، پاک، منزّه و پاکیزه (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۵۴۰۲) در فرهنگ معین نیز این معانی برای لفظ مقدس ذکر شده است: (أ) پاک، پاکیزه، منزّه ب) مرد خدا که از منهیات بپرهیزد، پارسا ج) آنچه که از نظر دینی مورد توجه و تقدیس قرار گیرد (معین، ۱۳۶۲: ۴۲۹۱) در فرهنگ ها و لغت نامه های دیگر لفظ مقدس به همین معانی پاکی، پاکیزگی و منزّه و مبارک تعریف شده است. در قرآن کریم نیز کلمه مقدس و دیگر کلمات هم ریشه آن در موارد مختلفی به کار رفته است، مقدس صفت برای مکان قرار گرفته است و لفظ قدوس صفت برای خداوند قرار گرفته است و لفظ قدس از صفات جبرئیل برشمرده شده است. (هویلی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۷)

پس با توجه به مراتب یاد شده می توان چنین نتیجه گرفت که مقدسات از نظر لغوی عبارت است از چیزهایی که دارای پاکیزگی معنوی و مبارک هستند.

برای درک معانی اصطلاحی مقدسات بهتر است، ابتدا موارد کاربرد لفظ مقدس و مقدسات مشخص شود.

الف - کاربرد لفظ مقدس:

اول- نسبت به یک سری عناصر مادی که مورد احترام عموم افراد یک جامعه قرار دارد، از قبیل: خاک، سرزمین، پرچم، سرود و گاهی نیز نسبت به یک عنصر غیرمادی از قبیل رویدادهای مهمی که در یک کشور اتفاق می افتد و مورد قبول و احترام غالب افراد جامعه قرار می گیرد، مانند: انقلاب، جنگ و... به کار می رود.

دوم- گاهی لفظ مقدس در مورد عناصری که در یک دین و مذهب مورد احترام ویژه مومنان آن می باشد به کار می رود؛ مثلاً، در دین اسلام مسلمانان نام خداوند، قرآن، پیامبر، کعبه، برخی مساجد و دین را موصوف به وصف مقدس می کنند و می گویند نام مقدس خداوند، دین مقدس اسلام، شریعت مقدس اسلام و... در دین مسیحیت نیز عناصری مانند کلیسا، خداوند، حضرت مریم، حضرت عیسی و... را موصوف به مقدس می دانند.

ب- کاربرد لفظ مقدسات: با اینکه لفظ مقدس و مقدسه که مفرد مقدسات است کاربردهای متفاوتی دارند و هم نسبت به ارزشهای دینی به عنوان احترام ویژه به کار می رود و هم نسبت به برخی ارزشهای غیردینی به کار می رود، به طور مثال، در عرف و ادبیات ما از آموزه ها و عناصر مورد احترام در حوزه غیر دین مثل انقلاب، جنگ و نظام، به ارزشها تعبیر می شود ولی عناصر مورد احترام در حوزه دین و مذهب به مقدسات تعبیر می شود؛ البته در حوزه دین نیز به همه ارزشهای دینی مقدسات گفته نمی شود بلکه مقدسات در کانون دایره ارزشهای دینی قرار دارد و موارد خاصی را شامل می شود، از این رو می بینیم به ارزشهایی مثل صداقت، جود و امثال آن مقدسات اطلاق نمی شود. (افتخاری و کمالی، ۱۳۷۷: ۱۰۱)

با توجه به مطالب فوق می توان مقدسات را از نظر اصطلاحی اینگونه معنی کرد: مقدسات عبارتند از اموری که در نزد دین یا مذهب دارای احترام خاصی است به گونه ای که احترام آنها بر عموم، واجب و هتک حرمت آن بر پیروان آن دین حرام باشد، با این دید، مقدسات اسلامی چنین تعریف شده است: «مقدسات عبارتند از اموری که نزد خداوند دارای احترام باشد و احترام آنها بر عموم، واجب و هتک حرمت آنها حرام باشد اعم از اشخاص مانند انبیا و اوصیا یا اماکن مانند کعبه، مسجدالحرام، بیت المقدس و سایر مساجد و یا اشیا مانند کتب آسمانی» (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۵۵۴).

۲-۱: مقدس و نامقدس

در این مبحث توضیح بیشتری در مورد اصطلاح مقدسات خواهیم داد و ملاک تشخیص آن از نامقدس و نمونه هایی از مصادیق مقدسات را بررسی خواهیم کرد.

۱-۲-۱: قداست در ادیان توحیدی

در ادیان توحیدی نیز همانند دیگر ادیان، عناصری وجود دارد که دارای حرمت و جایگاه ویژه ای می باشد به نحوی که شکستن این حرمت به هیچ وجه جایز نمی باشد.